

پیش نویس "اصلاح" قانون کار، یعنی تشدید استثمار و بی حقوقی کارگران

بیست دوم شهریور ماه هشتاد و پنج

سازمان فدائیان (اقلیت)

اواسط ماه گذشته پیش نویس "اصلاح" قانون کار که وزارت کار آن را تهیه و تنظیم نموده است انتشار یافت. محمد جهرمی وزیر کار احمدی نژاد و همپالگی های وی در دولت و شورای نگهبان اگر چه پیش از این نیز پیرامون قانون کار سخنانی بر زبان رانده و پنهان نکرده بودند که یکی از برنامه های اصلی این وزارت خانه تغییر و "اصلاح" قانون کار و تعرض بیشتر به حقوق کارگران از طریق دست کاری قانون کار است، اما با انتشار این پیش نویس، مشت آقای وزیر کار و کارفرمایان، دیگر به طور کامل باز شد و کوشش طبقه سرمایه دار برای تشدید بیش از پیش استثمار و بی حقوقی کارگران بر ملا گردید. پیش نویس اصلاح قانون کار در اساس معطوف است به ایجاد تغییراتی در ماده ۷، ۲۱، ۲۴ و ۲۷ از فصل دوم قانون کار مربوط به قرارداد کار، ماده ۴۱ از فصل سوم مربوط به شرایط کار، ماده ۹۶ از فصل چهارم مربوط به بازرسی کار، ماده ۱۱۹ از فصل پنجم مربوط به اشتغال ماده ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۶ و ۱۳۷ از فصل ششم مربوط به تشکل های کارگری و کار فرمائی. یکی از مهمترین محورهای پیش نویس "اصلاح" قانون کار، مبحث مربوط به خاتمه قراردادکار است. در ماده ۲۱ قانون کار، طرقی که بدان وسیله قرارداد کار خاتمه می یابد ذکر شده است. در این ماده گفته می شود: قرارداد کار به یکی از طرق زیر خاتمه می یابد: الف- فوت کارگر ب- بازنشستگی کارگر ج- از کار افتادگی کارگر. (و سه مورد دیگر د، ه، و). در پیش نویس ارائه شده توسط وزارت کار دو بند دیگر نیز به این مجموعه اضافه شده است. بند "ز" - کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و لزوم تغییرات گسترده فناوری...

بند "ک" کاهش توان جسمی کارگر که موجب رکود تولید گردد.

روشن است که با افزوده شدن این بندها، به کارفرما اختیار تام داده می شود که هر لحظه به اخراج کارگر تصمیم گرفت، به بهانه این که تولید کاهش یافته است و یا تحت این عنوان که می خواهد تغییراتی در کل کارخانه یا قسمتی از آن ایجاد کند، این تصمیم را به مرحله اجرا بگذارد و عذر کارگرا بخواهد.

در بند "ک" نیز بدون آن که مشخص باشد کاهش توان جسمی کارگر چگونه اندازه گیری و تعیین می شود و این کاهش توان جسمی چگونه می تواند موجب "رکود تولید" گردد، این امکان و اختیار به کارفرما داده شده است تا

کارگران از جمله کارگران قدیمی آگاه و مورد اعتماد سایر کارگران را به بهانه ی واهی کاهش توان جسمی، اخراج و از کار بیکار کند.

در پیش نویس اصلاحی وزارت کار، ماده ۲۷ و تبصره های آن نیز که چندین سال است مورد چون و چرای کارفرمایان و سرمایه داران است دچار تغییر شده است.

در این ماده که مربوط به آئین نامه انضباطی کارگاه است، چنین گفته می شود که ”هرکارگر که در انجام وظایف محوله قصور ورزد و یا آئین نامه های انضباطی کارگاه را پس از تذکرات کتبی نقض نماید، کارفرما حق دارد در صورت اعلام نظر مثبت شورای اسلامی کار قرارداد کار را فسخ و کارگر را اخراج کند.

در پیش نویس وزارت کار عین جمله قبلی تکرار شده با این تفاوت که اولاً تذکرات کتبی به دوبرابر تذکر کتبی که فاصله آنها کمتر از ۱۵ روز نباشد تغییر یافته است و ثانیاً توافق یا ”نظر مثبت شورای اسلامی“ به کلی حذف و منتفی شده است. بدین اعتبار کارفرما حق دارد به طور یک جانبه تصمیم گیری و کارگر را اخراج کند و موضوع را تنها به اطلاع شورای اسلامی کار (یا تشکل های کارگری دیگر موجود در کارگاه) برساند. می بینیم که پیش نویس اصلاحی وزارت کار در این جا هم دست کارفرما را در اخراج کارگران به بهانه عدم رعایت آئین نامه های انضباطی و ”اخلال“ در امور کارخانه و امثال آن، بیش از پیش بازتر نموده است. اخراج کارگر اگر قبلاً مستلزم نظر مثبت شورای اسلامی کار بود، اکنون این التزام و قید از میان برداشته می شود و کارفرما راساً تصمیم به اخراج کارگر می گیرد و مستقیم و بی واسطه، آن را به مرحله اجرا می گذارد.

افزون بر این، طبق تبصره ۱ ماده ۲۷، برای فسخ قرارداد یا اخراج کارگر در کارگاه ها و واحدهائی که فاقد شوراهای اسلامی کار (یا انجمن های صنفی و نماینده کارگر) هستند، نظر مثبت هیئت تشخیص الزامی است!

اما در پیش نویس اصلاحی وزارت کار این تبصره نیز به کلی حذف شده است. کارگر، به خواست و اراده کارفرما بدو اخراج می شود و چنانچه اعتراضی داشته باشد ظرف ۱۰ روز باید به هیئت تشخیص و حل اختلاف شکایت کند تا این مراجع به شکایت کارگر رسیدگی کنند. در صورتی که کارگر مقصر تشخیص داده نشود، هیئت حل اختلاف با توجه به سابقه کار و میزان دستمزد و سن کارگر مبلغی را به عنوان خسارت تعیین می کند (این مبلغ نباید از جمع مزد دو سال کارگر تجاوز کند) پس از آن، کارفرما مخیر است یا کارگری را که اخراج کرده است به سر کار بازگرداند و یا خسارت تعیین شده را بپردازد!

بنابراین کارفرما تصمیم گیرنده اصلی و بلا منازع است. ولو از کارگر هیچگونه خطائی هم سر نزده باشد، چنان چه کارفرما اراده کند می تواند وی را اخراج کند.

از دیگر شاهکارهای بسیار مهم وزیر و وزارت کار احمدی نژاد، افزودن یک تبصره به ماده ۱۹۱ قانون کار است.

یک تبصره ناقابل که کل قانون کار و حیطه شمول آن را بکلی زیر سؤال می برد. در ماده ۱۹۱ قانون کار آمده است که کارگاه های کوچک کمتر از ده نفر را می توان برحسب مصلحت موقتاً از شمول بعضی مقررات قانون کار مستثنا کرد. یعنی همان کاری که در زمان ریاست جمهوری خاتمی انجام شد و با استناد به همین ماده و مصوبه شورای عالی کار اکثریت عظیمی از کارگران را از شمول بسیاری از بندها و مقررات قانون کار و در واقع امر از

شمول قانون کار خارج ساختند. وزیر کار احمدی نژاد نیز همان مصوبه را تمدید و به مرحله اجرا گذاشته است. با اینهمه این طور به نظر می رسد که این حد از تعرض و اجحاف به کارگران و تحمیل بی حقوقی بر آنان، هنوز برای وزیر احمدی نژاد و سرمایه داران کافی نبوده است. از این رو است که در پیش نویس اصلاحی وزارت کار تبصره ای به شرح زیر بر ماده ۱۹۱ افزوده شده است. "تبصره: تغییر در تعریف کارگاه های کوچک مشمول حکم ماده فوق (یعنی ماده ۱۹۱) از لحاظ تعداد کارگران و یا میزان سرمایه گذاری و گردش مالی سالانه باتوجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی، با پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب وزیر کار و امور اجتماعی انجام خواهد شد" (تاکید و پرانتز از ماست)

بدین ترتیب تعریف کارگاه های کوچک و تشخیص این که چه کارگاه هایی (افزون بر کارگاه های فعلا خارج از شمول قانون کار) از شمول قانون کار خارج خواهند شد بر عهده شخص آقای وزیر کار قرار می گیرد. مطابق این تبصره- که اختیارات فوق العاده ای به وزیر کار داده شده است- آقای محمد جهرمی می تواند کارگاه های زیر ۲۰ نفر یا زیر ۳۰ نفر یا حتی بیشتر از آن را هم- البته "با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی" و "با پیشنهاد شورای عالی کار" یکسره از شمول قانون کار خارج سازد.

این ها مهم ترین و برجسته ترین نکاتی بود که بر پایه آن به سادگی می توان به ماهیت ضد کارگری پیش نویس "اصلاح" قانون کار و تهیه کنندگان آن پی برد. تنظیم کنندگان این پیش نویس، اساساً یک هدف محوری را دنبال می کنند که آن را در فشرده ترین شکل می توان این گونه بیان کرد، تامین اختیارات بی انتها برای کارفرمایان و سرمایه داران برای تحمیل شرایط بازهم دشوارتری بر کارگران، برای استثمار شدیدتر و خشن تر کارگران و برای اخراج بی دردمتر کارگران.

اما از این نکات اصلی که بگذریم، نکات دیگری نیز در این پیش نویس وجود دارد که آنها نیز در جای خود حائز اهمیت می باشند.

از جمله این که در پیش نویس اصلاحی قانون کار، دو تبصره نیز به ماده ۷ اضافه شده است. بر طبق یکی از این تبصره ها قرارداد با بیش از ۳۰ روز باید به صورت مکتوب باشد و بر طبق تبصره دیگری کارفرما موظف شده است به کارگران با قرارداد موقت، به نسبت مدت کار مزایای قانونی پایان کار بپردازد.

این تغییرات بر خلاف نظر طرفداران رژیم و وزارت کار آن و تبلیغاتی که پیرامون آن راه انداخته اند، سودی برای کارگران در بر ندارد. اول اینکه قائل شدن مرز ۳۰ روز برای انعقاد کتبی قرارداد موقت، در عمل موجب این می شود که کارفرمایان به انعقاد قراردادهای با کمتر از این مدت روی آورند و آن را بر کارگران تحمیل کنند. همان گونه که از گذشته و تاکنون به جای قراردادهای سه ماهه، قراردادهای ۸۹ روز (و کمتر) بسته می شده است، هیچ دلیلی وجود ندارد که اکنون کارفرمایان به انعقاد قراردادهای ۲۹ روزه (و کمتر از آن) روی نیاورند.

از این گذشته با مکتوب شدن قرارداد موقت بیش از ۳۰ روز، چه مشکلی از مشکلات بی شمار کارگران قرار است حل و فصل شود؟ روشن است که این موضوع به خودی خود هیچ دردی را دوا نمی کند. ثانیاً تهیه کنندگان پیش نویس بدین وسیله و نیز با به اصطلاح موظف کردن کارفرما به پرداخت مزایای قانونی پایان کار (که هیچ ضمانت

اجرائی ندارد) می‌خواهند صورت مسئله را پاک کنند و اصل قضیه که نفس وجود قرارداد موقت کار است را امری عادی و تمام شده جا بزنند. هدف تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس این است که کارگران را از مبارزه برای الغاء قراردادهای موقت باز دارند، اعتراض و مقاومت کارگران در برابر کارفرمایان که مرتباً کارگران قدیمی و رسمی را اخراج و خود این کارگران یا کارگران دیگری را به طور موقت استخدام می‌کنند خاموش سازند، تا به صرف این که کارفرما موظف به پرداخت مزایای قانونی پایان کار شده است، به این قراردادهای موقت رضایت دهند و به انعقاد آن تشویق گردند.

این هدف مزورانه‌ی تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس، یعنی جنبه‌ی تشویقی کارگران برای روی آوری به انعقاد قرارداد موقت کار و خاموشی و رضایت در برابر آن، از طریق افزوده شدن بندی به ماده ۴۱ نیز دنبال شده است. در این بند گفته شده است "حداقل مزد کارگران در قرارداد بامدت موقت ده درصد از حداقل مزد تعیین شده در شورای عالی کار بیشتر خواهد بود"

مستثنا از این که موضوع دوگانگی دستمزدها چقدر قابل اجرا و پیاده شدن باشد یا نباشد و کارفرمایان تاچه حد به آن رضایت بدهند یا ندهند! واضح است که این ترفندها نیز برای تشویق و ترغیب کارگران جهت انعقاد قرارداد موقت کار و رضایت به آن است. این به ظاهر امتیازی که به کارگران با قرار داد موقت داده می‌شود، در اساس تلاش مزورانه دیگری است به قصد صدمه زدن به اتحاد کارگران و ایجاد نفاق و دودستگی در میان آن‌ها که کارگران باید آگاهانه با این کوشش‌های مذبوحانه مقابله و آن را خنثا سازند.

به این تغییرات، باید از حذف مواد ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷ و تبصره‌های آن و جایگزینی یک ماده (۱۳۰) و ۵ تبصره به جای تمام این‌ها نام برد که در مجموع تغییراتی است ناظر بر کم رنگ تر شدن نقش شوراهای اسلامی کار. و بالاخره حذف متن ماده ۹۶ و جایگزینی آن با متنی دیگر، اضافه شدن یک ماده الحاقی به ماده ۱۱۹ که بر طبق این‌ها به ترتیب تشکیل سازمانی به نام "سازمان بازرسی کار" و سازمان دیگری به نام "سازمان اشتغال و کار آفرینی" به عنوان زیر مجموعه‌های وزارت کار در دستور کار دولت قرار می‌گیرد. نیازی به توضیح نیست که راه اندازی این سازمان‌ها و عریض و طویل تر کردن دستگاه اداری نیز نمی‌تواند میسر گردد مگر به قیمت تشدید استثمار و فشار بر کارگران و از قبل دسترنج کارگران.

خلاصه کلام آن که هر چند قانون کار فعلی در اساس یک قانون ضدکارگری است و کارگران از ابتدائی‌ترین حقوق دمکراتیک خود، از جمله حق اعتصاب و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری نیز محروم اند، هر چند هم اکنون نیز کارفرمایان و سرمایه‌داران از اختیارات بی‌حد و مرزی در استثمار، سرکوب و تضییق حقوق کارگران برخوردارند و همین حالا هم به بهانه‌ی تغییر ساختار و کمبود مواد اولیه و هزارویک بهانه‌ی دیگر گروه‌گروه از کارگران را اخراج می‌کنند، اما با دست کاری قانون کار برطبق پیش‌نویس "اصلاح" قانون کار، اوضاع در تمامی زمینه‌ها وخیم‌تر و استثمار و بی‌حقوقی کارگران به طور آشکاری بیش از پیش تشدید می‌شود. پیش‌نویس اصلاح قانون کار، تکلیف نهائی این قانون را روشن کرده و آشکارا خواستار اعمال قانون وحش شده است. انتشار پیش‌نویس وزارت کار تا هم اکنون هم مخالفت‌ها و اعتراضات شدید کارگران را برانگیخته است. روز

۲۴ مرداد، وزیر کار احمدی نژاد عنوان کرد که این پیش نویس هنوز به مجلس و دولت ارائه نشده است. وی در عین حال گفت که نظر اکثر نمایندگان مجلس در مورد این پیش نویس مثبت است. محمد جهرمی پس از دیدار با نمایندگان مجلس گفت این پیش نویس ظرف دو ماه به مجلس فرستاده می شود. چند روز بعد از این اظهارات، احمدی نژاد در یک نشست خبری مورخ ۷ شهریور گفت که ”هنوز اصلاح قانون کار در دستور کار دولت قرار نگرفته است“ این مباحث و رویدادها به روشنی نشان می دهد که دست کاری قانون کار چندان هم ساده و بلا مانع نیست! موضوعی که از همان آغاز بر محمد جهرمی وزیر کار احمدی نژاد و حامیان نظری وی در شورای نگهبان هم آشکار بود.

در برابر تعرض جدید سرمایه داران، بی تردید کارگران دست به مقاومت خواهند زد. مادام که یک قانون کار مترقی توسط خود کارگران و نمایندگان آنها در تشکل های واقعی و مستقل کارگری تهیه و تدوین و به مرحله اجرا گذاشته نشده است، کارگران جز ایستادگی در برابر تعرضات سرمایه داران و تشدید مبارزه علیه رژیم آنها راه دیگری ندارند.

نقل از کار ۴۸۵- نیمه دوم شهریور - سازمان فدائیان (اقلیت)